

مجله‌ی مطالعات ایرانی
مرکز تحقیقات فرهنگ و زبان‌های ایرانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال پنجم، شماره‌ی دهم، پاییز ۱۳۸۵

سیره‌شناسی و تربیت دینی*

دکتر احمد جمالی زاده
استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

مکتب اسلام دارای نظام خاص تربیتی واقع‌گرا برای ایجاد آمت نمونه‌ی اسلامی است. الگوی عملی آن براساس سیره‌ی رفتاری پیامبر (ص)، مدل‌سازی و معرفی شده است. این مدل، ساختاری واقعی و بشری، نه ذهنی و اسطوره‌ای، دارد. این مدل تربیتی را باید از لابه‌لای احادیث و روایات تاریخی بازشناسی نمود. این کار در اصطلاح، سیره یا سبک‌شناسی نامیده می‌شود. برای اینکه سیره‌ی رفتاری پیامبر اسلام (ص) جهت پاسخگویی به نیاز تربیتی امروز ما مؤثر افتد و جنبه‌ی برنامه‌ای پیدا کند، باید اصول و مبانی آن را کشف کرد و بر آن اساس، نظریه‌پردازی نمود تا زمینه‌ی اجرایی پیدا کند. در پایان مقاله نمونه‌ای از سیره‌ی تربیتی پیامبر اسلام (ص) تحت عنوان تکریم شخصیت و اکرام و احترام و شیوه‌های آن مورد توجه و نتیجه‌گیری قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

مدل‌سازی، سیره‌شناسی، سیره‌ی نبوی، تربیت، تکریم شخصیت، پیامبر اعظم (ص)، سیره‌ی تربیتی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۸۵/۲/۲ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۵/۶/۸
نشانی پست الکترونیک نویسنده: _____

۱- مقدمه

مکتبی که دارای هدف‌های مشخصی است، نمی‌تواند دارای سیستم خاص تربیتی شامل تعیین هدف‌ها، مبانی، اصول راهبردی و روش‌های عملی سامان یافته‌ای نباشد.

نظام تربیتی کارآمد نظامی است که:

اولاً: بین اجزای فکری و برنامه‌های اجرایی و عملیاتی و اهداف آن هماهنگی و انسجام وجود داشته باشد.

ثانیاً: با توجه به واقعیت‌های بشری دارای طرح و برنامه‌ی کارآمد تربیتی باشد.

ثالثاً: بر ایجاد شرایط مناسب تربیتی و ارائه‌ی طرح‌های اجرایی واقع‌نگر توانایی داشته باشد.

در نظام تربیتی اسلام هدف، تعالی و رشد همه‌جانبه‌ی انسان و شکوفایی استعدادهای درونی او در راستای پذیرش ربوبیت خداوند است.

در این چشم‌انداز تربیتی، کمال‌یابی انسان به اراده و انتخاب او نهاده شده و انسان مسئول بر سرنوشت خویش است. تا در پرتو بینش صحیح و باورمندش و با تلاش و تکاپوی آگاهانه و مؤمنانه و مشتاقانه و صالحانه و آزادانه، باورهایش را در صحنه‌ی واقعیت بارور سازد و در محیطی مناسب و سازنده و به دور از اکراه و تحمیل بیرونی، رشد کند و به هدف مطلوبش برسد.

یکی از مسایل اساسی در نظام تربیتی هر مکتبی این پرسش است که مدل تربیتی و نظام الگویی آن مکتب چیست؟ و انسان مطلوب مورد نظر و هدف در آن نظام کیست؟

قرآن مجید ضمن معرفی الگوی مطلوب برای جامعه‌ی بشری، مدل تربیتی و انسانی آن را نیز معرفی کرده است. خداوند راجع به امت بهینه و شایسته‌ی اسلامی چنین می‌فرماید:

«بدین سان شما را امتی میانه قرار دادیم تا گواهان بر مردم باشید و پیامبر (ص) بر شما شاهد و گواه می‌باشد»^(۱) (قرآن، ۳، ۱۴۳).

خداوند در این آیه اولاً: امت اسلامی را الگو و مدل برای بشریت معرفی کرده است «شهداء للناس».

ثانیاً: جامعه‌ی اسلامی مطلوب را میانه و متعادل و متوازن توصیف نموده است. «وسطا».

ثالثاً: برای تحقّق جامعه و امت اسلامی هم مدلی واقعی قرارداد و بدین منظور، وجود مقدّس پیامبر اعظم (ص) را به عنوان مدل و الگوی عملی و تربیتی امت معرفی کرده است. «و یكون الرسول عليكم شهيداً».

جامعه‌ی نمونه‌ی اسلامی تحت عنوان «امت» بر ساختار مدلی واقعی و مصداقی حقیقی یعنی سیره‌ی رفتاری پیامبر (ص) طراحی شده است و نسبت بین امت و پیامبر (ص) در این مدل سازی، نسبت بین آرمان و واقعیت و هدف و مصداق عینی تحقّق یافته، برقرار شده است.

اعتدال ورزی و توازن و میانه گرایی از ویژگی‌های عمده و از شاخص‌های کلان امت اسلامی است و عیناً همین ویژگی یعنی اعتدال، در توصیف برترین شاگرد مکتب نبوی و پیامبر شناس بزرگ، یعنی علی بن ابی طالب، درباره‌ی پیامبر اکرم (ص) آمده است، آنجا که می‌فرماید:

«و سیرته القصد و سنته الرشده و قوله الفصل و حکمه العدل» (نهج البلاغه، خ ۹۴، ص ۱۷۶).

«یعنی سیرت او اعتدال و سنت او رشد و هدایت و کلامش جداساز حق از باطل و داوریش عدالت و دادگری است».

بدین ترتیب، می‌بینیم ویژگی کلان امت، یعنی اعتدال و عدالت ورزی و حق‌گرایی، با شاخص‌های عمده‌ی پیامبر اعظم (ص) و سیره‌ی نبوی منطبق است.

در این مقاله با توجه به نقش الگو و مدل در تربیت، به اهمیت الگوپذیری از وجود مقدّس پیامبر (ص) و ضرورت بحث از سیره‌ی نبوی و لزوم نظریه پردازی در آن به ذکر نمونه‌ای از روش تربیتی ایشان، پرداخته شده است و منابع مورد استفاده، بیشتر آیات قرآن و احادیث دینی و روایات تاریخی به صورت تنظیم موضوعی و تحلیلی می‌باشد.

۲- رسول خدا (ص) مدل تربیتی

یکی از روش‌های طبیعی و سازنده در تربیت فردی و اجتماعی، روش الگو سازی و الگوپذیری است. الگوسازی از انسان‌های شایسته و برجسته‌ای که از مقبولیت و محبوبیت واقعی نه تصنعی و ظاهری برخوردارند و دارای موقعیت اجتماعی یا جایگاه علمی یا منزلت اخلاقی و معنوی و یا کارآمدی و لیاقت و کفایت و کاردانی در زمینه‌ای خاص می‌باشند و الگوپذیری نیز از سوی کسانی که دارای انگیزه و امید به رشد و پیشرفت‌اند و نیازمند به سرمشق؛ تا با پیروی از مدل مورد نظر به هدف‌های خویش نزدیک شوند. در نظام تربیتی و اخلاقی اسلام به اصل مدل‌پردازی و مدل‌پذیری در تربیت توجه و تحت عنوان «اسوه سازی» و اسوه‌گرایی از آن یاد شده است.

در قرآن مجید که بی‌تردید کتابی تربیتی نیز هست، در آیات متعددی به صورت صریح یا ضمنی، پیامبران الهی به ویژه، رسول خدا پیامبر اسلام (ص) را به عنوان «اسوه» و «شاهد» معرفی کرده است و علاوه بر یاد کرد این دو عنوان، از اخلاق و رفتار و روحیات شایسته و با عظمت پیامبر (ص) با تحسین و ستایش یاد کرده است.

در اینجا به برخی از آیات قرآن که در توصیف جایگاه تربیتی و الگویی و شأن و منزلت اخلاقی پیامبر (ص) است، اشاره می‌کنیم تا به اصل «الگوسازی» در قرآن واقف و آگاه شویم.

«ای پیامبر ما تو را گواه و مژده رسان و هشدار دهنده فرستاده ایم و نیز دعوتگر به سوی خداوند به اذن او و همچون چراغی تابان» (قرآن، ۴۶، ۳۳).

و در آیه‌ی دیگر همین مضمون با اندکی تفاوت آمده است.

«همانا ما تو را گواه و مژده رسان و هشدار دهنده فرستادیم» (قرآن، ۷، ۴۸).

و در آیه‌ی ۱۵۸ از سوره‌ی آل عمران و آیه‌ی ۱۲۷ از سوره‌ی توبه، از اخلاق رحیمانه و نرم و ملایم و احترام آمیز و روحیه‌ی دلسوزانه و مشتاقانه و مشفقانه و محبت آمیز پیامبر (ص) ستایش نموده و در نهایت، از عظمت اخلاقی پیامبر (ص) نامبرده و چنین فرموده است:

«تو دارای اخلاق بسیار بزرگوارانه و با عظمت هستی» (قرآن، ۳، ۶۸).

و در آیه‌ای دیگر با توجه به جامعیت پیامبر اعظم (ص) به طور صریح و روشن، رسول خدا (ص) را به عنوان سرمشق و الگو برای مسلمانان معرفی نموده است: «به راستی که برای شما و برای کسی که به خداوند و روز باز پسین امید و [ایمان] دارند و خداوند را بسیار یاد می‌کنند، در پیامبر خدا سرمشق نیکویی هست» (قرآن، ۲۰، ۳۳).

از دیدگاه روانشناسی، انگیزه و شرایط مثبت روحی شرط الگوپذیری است، یعنی تا فردی احساس نیاز به رشد و پیشرفت و وابستگی به الگوی مطلوب و همانند سازی با آن ننماید و احساس شایستگی و اعتماد به نفس در خود نداشته باشد، انگیزه‌ی لازم و در نتیجه، شوق و شوری برای حرکت ندارد و از طرفی، رویشگاه انگیزه و شوق، سرزمین امید و امیدواری است و جوانه‌ی امید نیز در دل و جان آدمی نمی‌روید، مگر در فضای خوش بینی و مزده‌ای به وضعیتی دلپذیر و بشارت به سزایی نیکو؛ فضای خوش بینی نیز، با طراوت و سرسبز نمی‌شود مگر با باران رحمت الهی.

در آیاتی که یاد شد و مضمون آن‌ها را مرور کردیم، در کنار بیان شاهد و معرفی الگو به ویژگی بشارت دهی پیامبر (ص) و همچنین، امید و ایمان در گرایش به الگوی نیک، اشاره شده است.

به نظر برخی از صاحب نظران در روانشناسی تربیتی، شرایط روحی و عاطفی و احساسی و انگیزشی سرمشق گیرنده، عامل مهمی در توجه به رفتار سرمشق، می‌باشد.

«علاوه بر ویژگی های سرمشق (شخص مورد تقلید)، برخی از ویژگی های سرمشق گیرنده نیز در یادگیری از راه تقلید مؤثرند. این ویژگی‌ها عبارتند از نیاز به وابستگی، اعتماد به نفس، احساس شایستگی، یعنی هر چه این ویژگی‌ها در شخص بیشتر باشد، احتمال توجه کردن به سرمشق افزایش می‌یابد» (سیف، ۱۳۷۸، ۳۱۶).

برای تأسی و الگوگیری از پیامبر (ص) باید سخن و سیره‌ی رفتاری او را بشناسیم.

۳- ضرورت سیره‌شناسی

از نظر قرآن هر مسلمان وظیفه دارد پیروی کامل و همه‌جانبه از گفتار و رفتار پیامبر (ص) داشته باشد و آنچه از جانب پیامبر آمده، پذیرفته و به آن گردن نهد و به سیره و سنت پیامبر عمل کند و راه رفته‌ی او را بیسپاید.

خداوند در مورد پیروی کامل و همه‌جانبه از امر و نهی گفتاری و رفتاری پیامبر (ص) چنین می‌فرماید:

«آنچه پیامبر، شما را آورده، آن را بپذیرید و آنچه شما را از آن باز داشته، از آن دست بدارید، و از راه خدا پروا کنید» (قرآن، ۵۹، ۷).

و در آیات متعددی نیز دستور به اطاعت و پیروی از پیامبر اعظم (ص) در کنار اطاعت از خداوند داده است. مانند «بگو از خداوند و پیامبر اطاعت کنید» (قرآن، ۳، ۳۲).

- «ای مؤمنان از خداوند و پیامبر و اولوالامر تان اطاعت کنید» (قرآن، ۴، ۵۹).

- «و از خداوند و پیامبر اطاعت کنید و پروا داشته باشید» (قرآن، ۵، ۹۲).

- «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خداوند و پیامبر اطاعت کنید و اعمالتان را باطل نگردانید» (قرآن، ۴۷، ۳۳).

اطاعت از خداند و پیامبر و پاسخ‌گویی به ندای ایشان به امید دستیابی به رحمت خداوند و برای رسیدن به زندگی پاک و فضایی حیات بخش است، خداوند به فلسفه‌ی اطاعت از پیامبر و اجابت دعوت وی اشاره می‌کند و چنین می‌فرماید:

- «و از خداند و پیامبر اطاعت کنید، باشد که مشمول رحمت شوید» (قرآن، ۳، ۱۳۲).

- «ای مؤمنان به ندای خداوند و پیامبر وقتی که شما را به پیامی حیات بخش می‌خوانند، لبیک اجابت گوید» (قرآن، ۸، ۲۴).

مسلمان به دلیل اعتقاد و باور به خداوند و علاقه‌ای که نسبت به دین و پیشوایان دینی و معنوی خود دارد، دوست دارد با گفتار، سیره و سنت و تاریخ و سرگذشت، حتی شمایل و چهره‌ی ظاهری معصومین (ع) آشنا شود و اخلاق و شخصیت‌الای ایشان را بشناسد و با تأسی و پیروی از راه و رفتارشان، خود را به ایشان نزدیک سازد.

سیره شناسی معصومین (ع) به ویژه سیره‌ی نبوی از همان دوره‌ی نخستین اسلامی مورد توجه و علاقه‌ی مسلمانان بوده و به آن پرداخته اند، روایت‌ها نقل کرده و کتاب‌ها در این موضوع نگاشته اند.

سیره شناسی از آن جهت برای ما مسلمانان اهمیت دارد که اندیشه‌ی ما را با حقیقت عینی اسلام و نمونه‌ی عملی آن آشنا می‌سازد و راه روشن دین را به سوی ما می‌گشاید.

یک مسلمان علاقه دارد بداند که انسان کامل از نظر اسلام کیست؟ و مدل تربیتی آن چیست؟

سیره شناسی پاسخی مناسب و گویا به این پرسش‌ها و نیازهاست. سیره شناسی در واقع، بازشناسی ارزش‌هایی است که در انسان‌هایی پاک و والا و کامل، تجسم عینی یافته و در سیما و سیره‌ی رفتاری و گفتاری ایشان، نمایان شده است. در روایتی از سعد بن هشام (یکی از مسلمانان دوره‌ی نخستین اسلامی)، نقل شده که می‌گوید:

«بر عایشه همسر رسول خدا (ص) وارد شدم و از او راجع به اخلاق پیامبر خدا (ص) پرسیدم و توصیف او را خواستم. پس گفت: آیا قرآن نخوانده‌ای؟ گفتم چرا؟

پس گفت: اخلاق پیامبر (ص) همان قرآن است (فیض کاشانی، ج ۴، ص ۱۲۰). در این کلام، اخلاق پیامبر به قرآن توصیف شده، یعنی اینکه اگر بخواهی نمونه‌ی عینی و عملی قرآن را ببینی، اخلاق پیامبر (ص) را ببین، بنگر که چگونه قرآن در خلق و خوی، رفتار و سیره‌ی آن بزرگوار تبلور یافته است. حضرت علی (ع) نیز در مورد اسوه‌پذیری و الگوگیری از پیامبر خدا (ص) می‌فرماید:

«برای تو کافی است که راه و رسم زندگی پیامبر اسلام (ص) را اطاعت کنی تا راهنمای خوبی برای تو باشد» (نهج البلاغه، ۱۶۰، ۲۹۹).

چون آشنایی با سیره‌ی نبوی، راه صحیح تربیت را به سوی ما می‌گشاید و چراغ تابان هدایت را فرا راه ما بر می‌افروزد و ما را با نمونه‌ی عینی و الگویی واقعی آشنا می‌سازد. آن حضرت در ادامه می‌فرماید:

«پس به پیامبر پاکیزه و پاکت اقتدا کن که راه و رسم او الگویی است برای الگوظلبان» (نهج البلاغه، ۱۶۰، ۳۰۰).

نتیجه آنکه دین تنها به مفاهیم انتزاعی دعوت نکرده است، بلکه با توجه به واقعیت‌های عینی الگوهای را فرا روی ما نهاده تا در صحنه‌ی عمل و کشاکش روزگار و در عرصه‌ی کار و کردار و رفتار نه فقط در لفظ و گفتار، راهنمای ما باشند.

الگوها ترجمان و تجسم عینی مفاهیم ارزشی و پاسخی به نیاز تربیتی ما هستند؛ انسان همواره در یادگیری نیازمند به سرمشق بوده و هر جا که الگویی واقعی نیافته، اسطوره و افسانه‌ی ساخته تا نیاز روحی و عاطفی و تربیتی خود را با آن جبران سازد.

۴- مفهوم شناسی سیره و موارد کاربرد آن

با نگاهی اجمالی به لغت سیره و موارد کاربرد آن در متون دینی و روایی و تاریخی و اخلاقی و ادبی در می‌یابیم سیره در معانی و مواردی مانند روش و رفتار، کار و کردار، راه و رسم، حالت و هیأت، شکل و صورت، طریقه و عادت، خوی و خصلت، تاریخ و حکایت، شرح حال و سرگذشت به کار رفته است.

البته کلمه‌ی سیره در قرآن تنها یک بار آمده است، آن هم در مورد عصای حضرت موسی (ع) آن هنگام که به امر خداوند آن را انداخت که ناگهان به شکل ماری که جنب و جوش داشت، درآمد. خداوند به وی فرمود:

«خذها و لاتخف سنعیدها سیرتها الاولى» (قرآن، ۲۰، ۲۰).

یعنی: «آن را بگیر و مترس، آن را به شکل و هیئت نخستینش در می‌آوریم.»

راغب اصفهانی که کلمات قرآنی را ریشه‌یابی و معنا می‌کند و به مفردات قرآن می‌پردازد، سیره را به معنای حالتی دانسته که انسان یا غیر انسان بر آن حالت باشد، چه آن حالت غریزی (غیراکتسابی) باشد یا اکتسابی. (راغب، ۱۳۷۸، ۲۴۷).

در مجمع البحرین نیز که لغات قرآنی و روایی را معنا می‌کند، «سیره» را به طریقه، هیئت و حالت معنا کرده است (مجمع البحرین، طریحی، ج ۳، کلمه‌ی سیره).
در لسان العرب می‌گوید: سیره از کلمه‌ی سیر به معنای رفتن است و خود کلمه‌ی سیره به معنای روش و رفتار و سنّت و طریقت و هیأت می‌باشد (لسان العرب، ج ۶، ص ۳۹۹).

۴-۱- سیره در روایات

کلمه‌ی سیره در متون روایی و حدیثی به معنای روش و رفتار و رسم و سلوک و خلق و خوی به کار رفته که به چند مورد از آن اشاره می‌شود.
حضرت علی (ع) در وصف پیامبر اسلام (ص) برخی از ویژگی‌های رفتاری و راه روش عملی ایشان را با کلمه‌ی «سیره و سنّت» یاد کرده است، مانند:
«سیره القصد و سنّته الرشد و کلامه الفصل و حکمه العدل» (نهج البلاغه، خ ۹۴، ص ۱۷۶).

در روایتی امام حسین (ع) با کلمه‌ی «سیره» و صف پیامبر را از پدر بزرگوارش علی بن ابی‌طالب (ع) پرسیده است. متن روایت چنین است: فقلت: کیف کان سیره مع جلسائه؟
یعنی: پس پرسیدم سیره و روش رسول خدا با همنشینانش چگونه بود؟ حضرت علی (ع) چنین پاسخ داد:

«همیشه خوشرو و خوشخوی و نرم بود، خشن و درشتخو و پرخنده و سبکسر و بد زبان و عیجو و چاپلوس نبود» (طباطبائی، ۱۳۸۴، ص ۱۷).
حضرت امام حسین (ع) در کلامی، انگیزه‌ی قیام و نهضت خود را، حرکت و رفتن بر اساس سیره‌ی جدش پیامبر و پدرش علی ابن ابی‌طالب بیان فرموده است، کلمه‌ی «سیره» در سخنش آمده است:

«ارید ان أمّر بالمعروف و انهی عن المنکر و اسیر بسیره جدی و ابی علی ابن ابیطالب (ع)» (مقتل الحسین، مقررّم، ص ۱۸۶).

«یعنی می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر نمایم و برسیره‌ی جد و پدرم حرکت و رفتار کنم.»

امام صادق (ع) نیز در کلامی، شباهت و همانندی سیره‌ی رفتاری و خوراک حضرت علی (ع) با پیامبر (ص) را با کلمه‌ی «سیره» بیان فرموده است: «کان علی (ع) اشد الناس طعمه و سیره برسول الله (ص)» (دانشنامه‌ی امام علی (ع)، ج ۱۱، ص ۲۶۱).
یعنی علی (ع) در خوراک و رفتار شدیدترین شباهت را به رسول خدا (ص) داشت.

در کتاب‌های حدیثی اهل سنت نیز مانند صحیح بخاری، صحیح مسلم و سنن ترمذی و سنن دارمی، فصلی به نام کتاب «السير» آمده و در آن روایاتی ذکر شده که به توضیح روش و رفتار پیامبر (ص) در جنگ‌ها و مسایل عملی آن و رعایت اصول اخلاقی و نوع رفتار با اسیران و نهی از کشتن زنان و کودکان و سوزندان درختان و همچنین، احکام مربوط به غنایم و تقسیم آن پرداخته است. هدف از جمع آوری این احادیث و ذکر آن‌ها در کتاب جهاد، فهم احکام فقهی و مسایل اخلاقی آن بوده است.

از مطالعه‌ی تاریخ حدیث چنین بر می‌آید که نزد پیشینیان، «اهل سیر» (به معنای سیره‌شناسان) در ابتدا به محدثانی گفته می‌شد که با غزوات و نبردهای صدر اسلام که پیامبر اسلام (ص) در آن‌ها حضور داشته، و همچنین، خصال و شمایل و نشانه‌های نبوت و حوادث مربوط به زندگی آن حضرت آشنا بوده‌اند و کارشان نقل حدیث و تاریخ بوده است و به جمع آوری احادیث و اخبار در این موضوع می‌پرداخته‌اند.

۴-۲- سیره نزد مورخان

با نگاهی به نخستین کتاب‌های تاریخی مربوط به صدر اسلام، در می‌یابیم که در ابتدا، سیره در مورد سرگذشت و شرح حال نویسی، به کار رفته است، تاریخ نویسانی که با نگرش و علاقه‌ای ویژه به شخصیت حضرت پیامبر (ص)، حوادث و وقایع مربوط به دوران رسالت آن حضرت را نوشته‌اند، مانند ابن شهاب زهری (م ۱۲۴) اولین سیره‌نگار شناخته شده و پس از او ابن اسحاق (م ۱۵۱) و سپس، ابن هشام (م ۲۱۸) نوشته‌های تاریخی خود را «سیره» نامیده‌اند، بدون اینکه تحقیق

علمی روشمندی به معنای سیره شناسی و سبک شناسی روی محتوای روایات تاریخی آن‌ها صورت گرفته باشد.

در میان مورخان، برخی مانند واقدی (م ۲۰۷)، جنگ‌های زمان پیامبر (ص) را مهم تر دیده و به آن‌ها پرداخته و نوشته‌های خود را مغازی (جنگ نامه‌ها) نام نهاده و افرادی مانند ابن کثیر دمشقی (م ۷۰۴) که خود صاحب کتاب سیره می‌باشد، از مغازی واقدی به عنوان «سیره» نام برده است. (نقد و بررسی منابع سیره بندی، جمعی از مؤلفان، ص ۱۸۲).

گویا در نظر ایشان مفهوم «سیره» و «مغازی» یکسان بوده و جای یکدیگر به کار می‌رفته است و بین مورخان سیره نویس و مغازی نگار تفکیکی قایل نبوده و اصحاب سیره، گاهی اصحاب مغازی و بالعکس، نامیده شده‌اند.

۴-۳- سیره در اخلاق

یکی از معانی و موارد استعمال «سیره» در خُلق و خوی و صفات اخلاقی است و منظور از سیره، صفات باطنی و درونی انسان است که منشأ رفتارهای ظاهری و جوارحی می‌باشد، مثلاً وقتی از اخلاق خوب شخصی یاد می‌کنیم، می‌گوییم فلانی سیرتی محمود و نیکو دارد، یعنی خصلت و خلق و خوی او پسندیده و نهاد درونی او زیباست. سیرت به این معنا در مقابل صورت است. همان گونه که از صفات درونی به خُلق و از شکل و آفرینش ظاهری به خُلق یاد می‌کنیم. پس سیرت در اخلاق به معنای سریره و شخصیت درونی و باطنی اعم از نیک و بد است و این بیت مثنوی اشاره به همین معنا دارد:

سیرتی کاندلر وجودت غالب است اندر آن تصویر حشرت واجب است

(مثنوی، دفتر دوم، ص ۲۶۶)

و مانند این شعر منوچهری که سیرت و صورت را در مقابل هم و با هم در شعرش آورده است:

بیچگانمان همه مانده‌ی شمس و قمرند

ز آنکه هم سیرت و هم صورت هر دو پدرند

و در ادب فارسی نیز سیرت به معنای روش و رفتار و کار و کردار به کار رفته است، مانند این شعر ناصر خسرو که از روزگار شکایت می‌کند و چنین می‌گوید:

چون سیرت چرخ را بدیدم کو کرد نژند و خشکسارم

(لغت نامه‌ی دهخدا)

۵- سیره یعنی سبک‌شناسی

با توجه به معنای لغوی سیره^(۲) و هیئت لفظی آن، سیره به معنای روش و طریقه و نوعی سبک^(۳) و شیوه‌ای از رفتار است. همان‌گونه که در ادبیات و فلسفه و هنر سبک‌های متفاوتی وجود دارد و هر کدام را از دیگری متمایز می‌سازد، برخی از افراد هستند که در رفتار و زندگی خود دارای سبک خاصی می‌باشند و از شیوه و اصول و منطق خاص پیروی می‌کنند. از رفتار نظام‌مند و سنجیده و مداوم و هماهنگ که دارای صلابت و استواری باشد، به «سیره» تعبیر می‌کنیم. بنابراین، سیره به معنای نوعی از رفتار است که از منطق خاصی پیروی می‌کند و نماینده‌ی تفکر و اندیشه‌ای است که بر سیره و رفتار حاکم است و نمایانگر شاکله‌ی درونی و شخصیت باطنی فردی است که از عقلانیت و دور اندیشی و اندیشه ورزی برخوردار است و در رفتارهای ظاهری و شیوه‌ی کاری او نمایان می‌گردد.

منطق اندیشه رویشگاه منطق عملی است. وقتی اندیشه‌ای سنجیده باشد و عمل ناشی از آن نهادینه گردد و از نظم‌ی استوار برخوردار باشد، صاحب اندیشه و عمل، در سبک و شیوه‌ی خود ثابت قدم باشد، می‌گوییم دارای سیره است.

همانگونه که برخی گفتارها ژرف و سنجیده و پرمعناست و با بصیرت و تیز نگری و بردباری علمی می‌توان به مغز آن گفتارها رسید و صدای اندیشه را از ژرفای آن شنید، همین‌گونه رفتار برخی از انسان‌ها از منطق و صلابت و فخامتی برخوردار است که با فقاقت و ژرف نگری می‌توان به عظمت و متانت آن دست یافت و به لایه‌های درونی و نظام باطنی آن‌ها رسید. سیره‌شناسی نیازمند دقت و باریک بینی و ژرف نگری روشمندی است که با آن می‌توان باطن رفتارها را کاوید و به ژرفای آن رسید و منطق خاص عملی را از آن کشف کرد.

۶- سیره و نظریه پرداز

در کنار قرآن، سخن و سیره‌ی معصومین (ع) یکی از منابع مهم تربیت اسلامی به شمار می‌آید. در این میان گفتار و رفتار پیامبر اکرم (ص)، جلوه و اهمیت

خاصی دارد، چون سخنش جامع و پرمعناست و سیره و رفتارش را نیز خداوند، الگوی نیکویی برای مسلمانان معرفی نموده است.

همانگونه که سخنان ایشان عمیق و ژرف است و عمق سخنانشان با پیشرفت روزگار قرن به قرن بهتر کشف می شود و در هر دوره، مفسران و ژرف اندیشانی که آمده‌اند، بهتر توانسته‌اند به عمق کلام ایشان برسند، یعنی پیشرفت علم و ژرف اندیشی دانشمندان، شرایطی را فراهم آورده تا عمق کلام حضرت پیامبر (ص) و معصومین (ع) برای ما بهتر روشن شود و این منابع جوشان اندیشه و چشمه های زلال معرفت و آگاهی را در هر دوره و عصر، بیشتر برای ما قابل بهره برداری می سازد. سیره و روش رفتاری ایشان نیز به همین گونه مبنادار و معنادار و تفسیر پذیر است. رفتار شناسی ظاهری بدون توجه و تعمق به روح حاکم بر آن، دانشی سطحی و محدود به زمان و شرایط خاص و غیرقابل الگوپذیری است، مگر آنکه از نقل و روایات تاریخی، منطق و قانون و اصولی را کشف کنیم که جنبه‌ی کلیت و کاربردی پیدا کند.

آنچه در سیره شناسی معصومین باید مورد توجه و اکتشاف قرار گیرد، دریافت گوهر معنایی و اصول مبنایی آن رفتارهاست و کار مهم و ارزشمندی که در سیره شناسی باید انجام شود، رفتار شناسی شخصیت صاحب سیره است که با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی باید مورد مطالعه قرار گیرد و اصول حاکم بر آن رفتار را فهمید و در عین حال، از حوادث تاریخی و ظرف زمان و مکان جداسازی و تجرید شود تا از حصار تاریخ و محدودیت زمان و شرایط خاص، رهایی یابد و شایسته‌ی الگوپذیری در همه‌ی دوران‌ها و زمان‌ها و همه‌ی نسل‌ها قرار گیرد.

باور به جاودانگی و ماندگاری حقیقت دین وابسته به اهداف کلی و تغییر ناپذیری اصول و مبانی ثابت دینی است که برگفتار و رفتار و سنت و سیره‌ی معصومین حاکم است و این‌ها باید کشف و تبدیل به برنامه شود.

سیره شناسی در واقع، شخصیت شناسی است و شخصیت شناسی وسیله‌ای است برای برنامه ریزی تربیتی، حلقه‌ی اتصال بین سیره شناسی و برنامه ریزی «نظریه پردازی» است.

۷- منابع سیره‌شناسی

در این قسمت اشاره وار به منابع اصلی سیره‌شناسی می‌پردازیم. یکی از منابع سیره‌شناسی نبوی، آیات قرآن مجید است که در توصیف و تعظیم پیامبر (ص) نازل شده و ناظر به خصوصیات اخلاقی و ویژگی‌های روحی و شخصیتی آن حضرت می‌باشد و همچنین، توجه به شأن نزول آیات و رخدادهایی که سبب نزول آیاتی از قرآن مجید شده است. دوم از منابع سیره‌شناسی، جوامع روایی و علم الحدیث است که محدثان شیعه و اهل سنت به آن پرداخته‌اند، چون سنت چیزی جز قول و فعل و تقریر صادر شده از معصوم نیست. بنابراین، سیره در چهارچوب اقوال و افعال و تقریر ایشان در یک سیر زمانی مشخص است. سخن و حدیثی که از مقام نبوی صادر شده، بیانگر سیره‌ی او نیز هست، چون عمل ایشان با سخنان هماهنگ است. سوم نوشته‌های تاریخی که به نام سیره‌نگاری و تاریخ و جنگ نامه‌ها، حوادث و رخدادهای دوره‌ی نخستین اسلام را به نگارش آورده‌اند، از جمله‌ی منابع سیره‌شناسی هستند.^(۴)

۸- معنا شناسی تربیت

تربیت فرایندی است که به عوامل و شرایط بیرونی و زمینه‌ها و انگیزه‌های درونی بستگی دارد و به معنای فراهم آوردن زمینه‌های مناسب برای شکوفایی استعدادها و پرورش توانایی‌های نهفته برای رسیدن به هدف‌های مورد نظر است. در مورد انسان علاوه بر آنچه گفته شد، تربیت معطوف است به زمینه‌سازی برای تحوّل ارادی و آگاهانه و ایجاد رفتارها و حالات مطلوب و حذف حالات و رفتارهای نامطلوب (تهذیب و تزکیه) و رشد متوازن که مایه‌ی فزونی منزلت معنوی انسان گردد. در قرآن مفهوم تربیت از ریشه‌ی (ربو) چندان مورد توجه قرار نگرفته است و در مواردی که این کلمه در رابطه با انسان به کار رفته، عمدتاً پرورش جسمانی مورد نظر است، چنانکه در آیات زیر این مطلب مشهود است. انسان که دوره‌ی

کودکیش را که دوره‌ی رشد جسمانی اوست، به یاد می‌آورد و به فرموده‌ی خداوند پدر و مادرش را چنین دعا می‌کند:

« پروردگارا بر آنان (پدر و مادر) رحمت آور، چنانکه [بر من رحمت آوردند] مرا در کودکی پرورش دادند» (قرآن، ۱۷، ۲۴).

و یا هنگامی که موسی (ع) به پیامبری رسید و در برابر فرعون ایستاد، فرعون او را باز شناخت و خطاب به موسی: [او] گفت آیا تو را در کودکی در میان خویش پرورش ندادیم و سال‌هایی از عمرت را در نزد ما به سر نبردی؟ (قرآن، ۲۶، ۱۸).

منظور از تربیت، به ویژه در آیه‌ی دوم، پرورش جسمانی است، چون فرعون در پرورش روحی و معنوی حضرت موسی (ع) نقشی نداشته است.

قرآن هدف بعثت پیامبران (ع) را تعلیم و تزکیه و تطهیر ذکر می‌کند و چون بار معنایی تزکیه و تطهیر مهم‌تر است، به جای کلمه‌ی تربیت، از کلمه‌ی تزکیه و تطهیر استفاده کرده که ناظر به طهارت اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی انسان است و به جنبه‌ی معنوی و ربوبیت‌پذیری انسان از خداوند نظر دارد.

راغب اصفهانی درباره‌ی ریشه‌ی کلمه‌ی تزکیه، یعنی زکات، می‌نویسد: «اصل زکات به معنای رشد و نمو است که در مورد طهارت و پاکی جان استعمال می‌شود.» (راغب، ۱۳۷۸، ص ۲۱۳).

تربیت‌پذیری انسان نه منحصراً تابعی از عوامل محیطی و بیرونی است و نه اراده‌ی انسان کاملاً آزاد و خارج از قید و بندهای محیطی است. بلکه عوامل محیطی و فرایندهای درونی انسان مشترکاً در اداره‌ی رفتار انسانی دخالت دارند و تربیت به نوعی از تعامل دو جانبه بین فرایندهای شناختی و ذهنی، پیش‌زمینه‌های ذاتی، گرایش‌های فطری و اراده و خواسته‌ی انسان برای ایجاد تغییر، و عوامل بیرونی مانند نقش معلم و مربی و خانواده و سایر عوامل محیطی، تأثیر پذیر است.

بر همین مبنا، در آیات قرآن راجع به تزکیه و تطهیر (تربیت) انسان موارد متعددی را می‌بینیم. در برخی آیات تزکیه و تطهیر را به اراده و انگیزه‌ی خود انسان نسبت داده و در برخی دیگر به کسانی که شرایط لازم را برای پرورش او فراهم ساخته‌اند.

اما در مورد اول: مانند این آیات «هر کس خویشتن را تزکیه نمود و پاکدلی پیشه کرد، رستگار شد» (قرآن، ۸۷، ۱۴).

و «هر کس نفس خویش را تزکیه کرد و پاکیزه داشت، رستگار شد و به راستی، هر کس که آن را آلوده ساخت، زیان برد و نا امید شد» (قرآن، ۹۱، ۹ و ۱۰).

و «هر کس که خویشتن را تزکیه نماید و پاکی ورزد، همانا به سود خویش پاکی ورزیده است و سیر و انجام به سوی خداوند است» (قرآن، ۳۵، ۱۸).

و در مورد تطهیر که بخشی از بار معنایی تزکیه را دارد، نیز طهارت طلبی را به خود افراد نسبت داده، مانند: این آیه «در آن [مسجد] مردانی هستند که دوست دارند که پاک و پیراسته شوند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد» (قرآن، ۹، ۱۰۸).

علاوه بر اراده و انگیزه‌ی فرد، مربی نیز در زمینه‌ی سازی و تهیّهی شرایط آموزشی و تعلیم و یادگیری و ایجاد فضای روحی و فراهم آوردن شرایط و توفیق سازی نقش دارد و بدین جهت، در برخی از آیات، تزکیه را به خداوند نسبت داده است، مانند: بل الله یزکی من یشاء (قرآن، ۴، ۴۹).

و «ولکن یرید لیطهرکم» (قرآن، ۵، ۶).

تربیت پذیری انسان به دو اراده بستگی دارد: یکی اراده‌ی تشریحی خداوند و دیگر اراده‌ی خود انسان که می‌خواهد رونده‌ی راه رشد و پاکی باشد. نقش واسطه بین این دو اراده بر عهده‌ی مربیان و معلمان بشریت، یعنی پیامبران، نهاده شده است. پیامبران از یک سو، از اراده‌ی الهی متأثرند و از طرف دیگر، بر اراده‌ی انسان تأثیر گذارند تا او را به هدف آفرینش نزدیک سازند.

از همین رو، در برخی آیات عامل تزکیه و تطهیر را به پیامبران نسبت داده، چون واسطه‌ی به کمال رسیدن بندگان هستند، آنجا که می‌فرماید:

«به راستی خداوند بر مؤمنان منت نهاد آنگاه که در میان آنان پیامبری از میان خودشان برانگیخت که آیات او [خداوند] را بر آنان [مؤمنان] می‌خواند و پاکیزه شان می‌دارد» (قرآن، ۳، ۱۶۴).

در آیه‌ی دیگر می‌فرماید:

«پیامبری از میان خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنان بخواند و تزکیه‌شان بنماید و پاکیزه شان بدارد» (قرآن، ۶۲، ۲).

و در آیه‌ی دیگر مسئولیت پیامبر (ص) را گوشزد می‌کند و می‌فرماید:
«از اموال ایشان زکات را بگیر که بدان پاکیزه و پیراسته‌شان می‌کنی» (قرآن، ۹، ۱۰۲).

پیامبر (ص) معلم و مربی همه‌ی بشریت است و کار رسالت و دعوت و پیام او ناظر به همه‌ی انسان‌هاست و در مدرسه‌ی تربیتی‌اش، همه‌ی انسان‌ها حضور دارند و شاگردان کلاس او ناهمگون و متفاوتند. پس کار تربیتی او ظریف، دقیق، مشکل، طاقت فرسا و پر زحمت است. اما مربی این کلاس بزرگ، انسانی در نهایت مهربانی و اوج دلسوزی، فهمیده، خود ساخته، سنجیده، کار آزموده، واقف به رموز تربیتی، عامل به گفتار، گفتارش جامع و پرنفوذ، زبینه به اخلاق حمیده و برخوردار از همه‌ی ارزش‌ها و مکارم اخلاقی است. سیره و رفتار و سیر و سلوکش الگوی جامع و کاملی برای مریبان است. در اینجا به یکی از مبانی و روش‌های تربیتی ایشان اشاره می‌کنیم و هدف آن است که از مجموعه‌ی روایاتی که ذکر می‌شود، یک اصل تربیتی استخراج و براساس آن برنامه‌ریزی و عمل کنیم.

۹- نمونه‌ای از سیره‌ی تربیتی پیامبر (ص)

بنیاد و زیر ساخت اخلاق اسلامی توجّه دادن انسان به شرافت و ارزش ذاتی خویش است و در بسیاری از متون اسلامی از آن تحت عنوان عزّت و کرامت نفس یاد شده و اینکه مؤمن باید عزتمند باشد و ذلّت پذیر نباشد. کرامت نفس اساس اخلاق اسلامی است و هدف از تربیت اسلامی؛ نیز عزتمندی است و هم یکی از روش‌های تربیت اسلامی سازگار با این هدف، تکریم شخصیت است که سخت مورد توجّه معصومین (ع)، به ویژه در سیره‌ی نبوی، قرار گرفته است. تکریم شخصیت به معنای اعتقاد به ارزشمندی حقیقت وجود آدمی است. این اصل باید در تربیت مورد توجّه قرار گیرد و اموری از ناحیه‌ی مربی انجام پذیرد که این باور را در مرتب‌ی ایجاد کند که او انسانی ارزشمند و قابل احترام است تا احساس کهنتری و کوچکی و بی‌ارزشی نکند.

چون احساس حقارت و ناهمگونی منشأ بسیاری از بدی‌ها و گناهان و سرآغاز سقوط در فلاکت و بدبختی‌هاست.

تکریم شخصیت هم جنبه‌ی معرفتی دارد و هم جنبه‌ی عملی و تکنیکی و فنی؛ ما در این جا فقط به جنبه‌ی عملی آن می‌پردازیم و سیره‌ی تربیتی پیامبر (ص) را در این باره بازخوانی می‌کنیم.

یکی از شیوه‌های تربیتی که به تکریم شخصیت می‌انجامد، اکرام و احترام گذاری است، همه‌ی افراد جامعه مایل به احترام خود هستند، دوست دارند که خویش را ارزشمند ببینند. هنگامی که نیاز به احترام به خود در فردی ارضا شود، شخص احساس اعتماد به نفس، ارزشمندی، توانایی، لیاقت و کفایت و مقبولیت می‌کند و در نتیجه، خود را مفید می‌بیند و در تربیت و خودسازی و پیشرفت خویش می‌کوشد. تکنیک‌هایی که احساس اکرام و احترام را به مرتب‌ی منتقل می‌کنند عبارتند: از توجه، همدلی، گوش دادن، نگاه امید بخش، شوخی ظریف، تبسم ملایم، ابراز محبت و مانند آن.

براساس روایات تاریخی از سیره‌ی معصومین (ع)، به ویژه سیره‌ی پیامبر (ص)، رفتار تربیتی ایشان سرشار از اکرام و احترام به همراهان و هم‌نشینان و یاران است و در همه‌ی شئون این اصل مورد توجه و عمل بوده است.

در سیره‌ی اخلاقی پیامبر (ص) این نمونه‌های ارزشمند اخلاقی و تربیتی را فراوان می‌بینیم و دفتر مکارم اخلاق ایشان را پر از صفحات زرین و درخشان صفات ارزشمند اخلاقی می‌یابیم و گلستان وجود مبارکشان را سرسبز و چشم‌نواز از گل‌های الوان و زیبای آداب انسانی، نظاره می‌کنیم، زیرا او دارای خلقی عظیم و روحی رحیم و نفسی کریم بود و اینک به نمونه‌هایی از شیوه‌ی رفتاری پیامبر (ص)، مانند توجه عاطفی به مردم، گوش دادن به سخنان و همدلی با آنها، احترام و اکرام نسبت به آنها که به تکریم شخصیت می‌انجامد، خلاصه وار اشاره می‌کنیم.

۱-۹- توجه و انس

با مردم انس می‌گرفت و آنان را از خود دور نمی‌کرد (طباطبائی، ص ۱۵).
«نگاهش کوتاه بود و به کسی خیره نمی‌شد» (همان، ۴۶).

«اگر سه روز یکی از اصحاب خویش را نمی‌دید، از حال او جویا می‌شد؛ اگر در مسافرت بود، در حقش دعا می‌کرد و اگر در خانه بود، به دیدارش می‌رفت و اگر مریض بود، عیادتش می‌کرد» (همان، ۵۱).

انسانی بی‌تکلف و ساده و بی‌زحمت بود و می‌فرمود: ما پیامبران از تکلف بیزاریم (همان، ۶۳).

۲-۹- گوش دادن

به سخن دیگران گوش می‌داد تا بدان حد که دشمنان زبان به طعن گشودند و آزارش دادند. این آیه‌ی قرآن ناظر به سخن آن‌هاست.

«و از ایشان کسانی هستند که پیامبر (ص) را می‌آزارند و می‌گویند او زود باور است، بگو به سود شماست که زودباور باشد که به خداوند و مؤمنان ایمان دارد» (قرآن، ۹، ۶۱).

«کلام احدی را نمی‌برید، مگر آنکه از حد تجاوز می‌کرد» (طباطبائی، ۱۳۸۴، ص ۱۶).

۳-۹- احترام و اکرام

رفتاری احترام آمیز و فوق العاد و عادلانه و برابر داشت.

در مجالس جای مخصوصی برای خود انتخاب نمی‌کرد (همان، ص ۱۶).

حق هر یک از اهل مجلس را ادا می‌کرد و کسی از آنان احساس نمی‌کرد که دیگری پیش آن حضرت محترم تر از خود اوست (همان، ص ۱۶).

کسی که به آن جناب وارد می‌شد، تشکک زیرپای خود را به او می‌داد و اگر شخص می‌خواست قبول نکند، اصرار می‌فرمود تا بپذیرد. (همان، ص ۵۳).

با غنی و فقیر یکسان مصافحه می‌کرد و دست خود را نمی‌کشید تا طرف دست خود را بکشد. به هر کس می‌رسید، سلام می‌کرد، چه توانگر، چه درویش و چه کوچک و چه بزرگ (همان، ص ۴۱).

دیده نشد پیش روی کسی پای خود را دراز کند (همان، ص ۴۵).

برای اصحاب خود تجمل (زینت و خودآرایی) می‌کرد. (همان، ص ۴۱)

آن جناب برای احترام اصحاب خود و به خاطر به دست آوردن دل‌هایشان آنان را به کنیه صدا می‌زد و برایشان کنیه قرار می‌داد و بدین وسیله، دل همه را به دست می‌آورد (همان، ص ۵۳).

۴-۹- همدلی

اهل مجلس از چیزی می‌خندیدند، وی نیز می‌خندید و از آنچه تعجب می‌کردند، تعجب می‌کرد (همان، ص ۱۸).

بدون اینکه بخندد، همیشه تبسمی بر لب داشت (همان، ص ۴۱).

رسول خدا (ص) هنگامی که یکی از اصحاب را غصه دار و مغموم می‌دید، با مزاح کردن او را مسرور می‌ساخت (همان، ص ۶۱).

رسول خدا (ص) با مردم شوخی می‌کرد و منظورش این بود که آن‌ها را مسرور سازد (همان، ص ۴۸).

رسول خدا (ص) مزاح می‌فرمود، جز مطالب حق چیزی نمی‌گفت (همان، ص ۴۹).

این‌ها نمونه‌هایی اندک از سیره‌ی تربیتی پیامبر (ص) و برگ زرینی از دفتر مکارم اخلاق ایشان بود که جهت استناد و تبیین اصل تکریم شخصیت در سیره‌ی نبوی ذکر شد.

۱۰- نتیجه

۱- با تأمل در سیره‌ی نبوی به این نتیجه می‌رسیم که پیامبر اسلام (ص) با قطع نظر از جنبه‌ی قدسی که ایشان را در سطحی متعالی و دور از دسترس قرار می‌دهد، به لحاظ بُعد بشری و تربیتی دارای رفتاری هوشمندانه، سنجیده، واقع‌گرا و مبتنی بر مبانی انسان‌شناسی دقیق بوده، سیره‌ی تربیتی ایشان معطوف بر جنبه‌های روان‌شناسی تربیتی و رعایت آن نکات می‌باشد و به همین لحاظ، شایسته‌ی الگوپذیری است.

۲- با کشف اصول حاکم بر سیره‌ی تربیتی پیامبر اعظم (ص)، نیاز امروز به گذشته‌ها پیوند می‌خورد و به لحاظ منطق و روش، سیره‌ی نبوی، جنبه‌ی عصری و کارآمد پیدا کرده و نیازهای ما را در برنامه‌ریزی‌های تربیتی پاسخ مطلوب می‌دهد.

یادداشت‌ها

- ۱- در ارجاع به قرآن ابتدا شماره‌ی سوره و سپس، شماره‌ی آیه ذکر شده است.
- ۲- سیره از ماده‌ی «سیر» به معنای حرکت و رفتن است و سیره که بر وزن فعله است، دلالت بر نوع می‌کند و به معنای نوع راه رفتن و سبک و نوع رفتار است.
- ۳- سبک و در لغت عربی به معنی گذاختن و ریختن زر و نقره در قالب است و سبیکه پاره‌ی نقره‌ی گذاخته را گویند (لسان العرب، ج ۶، ص ۱۶۲).
- ۴- ولی ادبای اخیر سبک را مجازاً به طرز خاصی از نظم و نثر استعمال کرده اند. وقتی گفته می‌شود «فلان کس خوب قلمی دارد» یعنی سبک نگارش او خوبست و در نظم گفته می‌شود خوب سبکی دارد یا خوب شیوه ای دارد و در اصطلاح ادبیات، عبارت است از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله‌ی ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر (ملک الشعراء بهار، ۱۳۷۶، ص ۱۸).
- ۵- در اینجا به تلاش ارزنده‌ی پژوهشگر پرتلاش معاصر رسول جعفریان در جمع آوری و فهرست نویسی تعداد ۵۳۵ کتاب تخصصی و منبع شناسی در زمینه‌ی سیره نبوی اشاره می‌شود و پژوهشگران را به آن ارجاع می‌دهد (نقد و بررسی منابع سیره‌ی نبوی، زیر نظر رسول جعفریان، از صفحات ۳۹۱ تا ۴۲۶).

کتابنامه

- ۱- قرآن کریم، ترجمه‌ی بهاء الدین، خرمشاهی، (۱۳۸۲)، تهران، دوستان، نوبت چهارم.
- ۲- نهج البلاغه، ترجمه‌ی دشتی، محمد، (۱۳۷۹)، قم، انتشاراتی ائمه، چاپ اول.
- ۳- ابن منظور، (۱۴۰۸ ق)، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
- ۴- امینی، ابراهیم، (۱۳۷۳)، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، انجمن اولیاء و مربیان، چاپ دوم.
- ۵- باقری، خسرو، (۱۳۸۲)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، مدرسه، چاپ هشتم.

- ۶- بهار، محمد تقی، (۱۳۷۶)، سبک‌شناسی جلد (۱)، تهران، مجید، چاپ نهم.
- ۷- جمعی از مؤلفان زیر نظر جعفریان، رسول، (۱۳۷۸)، نقد و بررسی منابع نبوی، تهران، سمت و ...، چاپ اول.
- ۸- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۳۸)، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول.
- ۹- راغب اصفهانی، (۱۳۷۸ ق)، مفردات، طهران، المكتبة المرتضوية، چاپ اول.
- ۱۰- رشاد، علی اکبر، (۱۳۸۰)، دانشنامه‌ی امام علی (ع)، جلد ۱۱، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، چاپ اول.
- ۱۱- سیف، علی اکبر، (۱۳۷۸)، روانشناسی پرورشی، تهران، آگاه، چاپ هفدهم.
- ۱۲- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۹۴ ق)، المیزان، جلد ۱۹ و جلد ۶، قم، اسماعیلیان، چاپ دوم.
- ۱۳- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۸۴ ش)، سنن النبی، تهران، اسلامی، چاپ نهم.
- ۱۴- طریحی نجفی، فخرالدین، حسین، (۱۳۹۶ هـ ق)، مجمع البحرین، طهران، المكتبة المرتضوية الطبعة الاولى.
- ۱۵- طوسی، خواجه نصیرالدین، (۱۳۶۴)، اخلاق ناصری، تهران، خوارزمی، چاپ سوم.
- ۱۶- عبدالباقی، محمد فؤاد، (۱۳۷۴)، المعجم المفهرس، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- ۱۷- فیض کاشانی، محسن، المحجة البيضاء، قم، انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- ۱۸- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۷)، سیری در سیره‌ی نبوی، قم، انتشارات صدرا، چاپ نوزدهم.
- ۱۹- مقرر، سید عبدالرزاق، (۱۳۹۲ هـ ق)، مقتل الحسین، نجف.
- ۲۰- مولوی، جلال الدین، (۱۳۸۳)، مثنوی معنوی، تهران، امیر کبیر، چاپ پانزدهم.